

از قهرمانان
جاویدان
والت دیسنی

۳

داستانهای مصور
زرورق
برای نوجوانان



سو و تفاهم کوچک!

بها ۵۰ ریال

این کتاب توسط اعضای فروم کودکان و نوجوانی
برای استفاده شما به رایگان تهیه و آماده شده
است. از پرداخت پول برای کتابهای این انجمن
به فروشندگان سودجو اکیداً خودداری نمایید.

از سری
داستانهای مصور زورق

- ۱ - پنجشنبه شوم!
- ۲ - يك روز خوب!
- ۳ - سوء تفاهم كوچك!

منتشر شده است و کتابهای زیر هم چاپ شده که هر ماه دو شماره آن
منتشر خواهد شد:

- دونالد گلباز!
- فیل کوچولو!
- مسابقه بزرگ!
- میکی در قطب!
- کلاغ پر!

نوجوانان عزیز

کتابی که در دست دارید از سلسله حوادث قهرمانان جاویدان والت دیسنی است .
این قهرمانها مورد علاقه صدها میلیون نوجوان در سراسر جهان هستند و کتابها و فیلمها
و عروسکها و ماسکهای آنها همه ساله مورد مطالعه و تماشا و استفاده نوجوانان جهان
قرار میگیرد. این قهرمانان دارای اخلاق و صفات مختلفی هستند در میان آنها شجاع ،
نیرومند، باهوش، خوش قلب، ترسو، بدجنس ، دروغگو، پول پرست و... یافت میشود که
هر کدام نماینده يك تیپ و طبقه اجتماع است که در قیافه این موجودات دنیای ما را
منعکس می کنند . این کتابها که هر ماه دو جلد آن منتشر خواهد شد درعین جالب و سرگرم
کننده بودن دارای مطالب آموزنده و مفید هم هستند و شما با جمع آوری آنها دارای يك
دایرةالمعارف با ارزش و خواندنی خواهید شد .
اگر میخواهید این کتابها بطور مرتب و با مزایای بیشتری منتشر شود آنرا بدوستان
و آشنایان خود معرفی کنید .

انتشارات سپید

سوء تفاهم كوچك!

اثر والت دیسنی

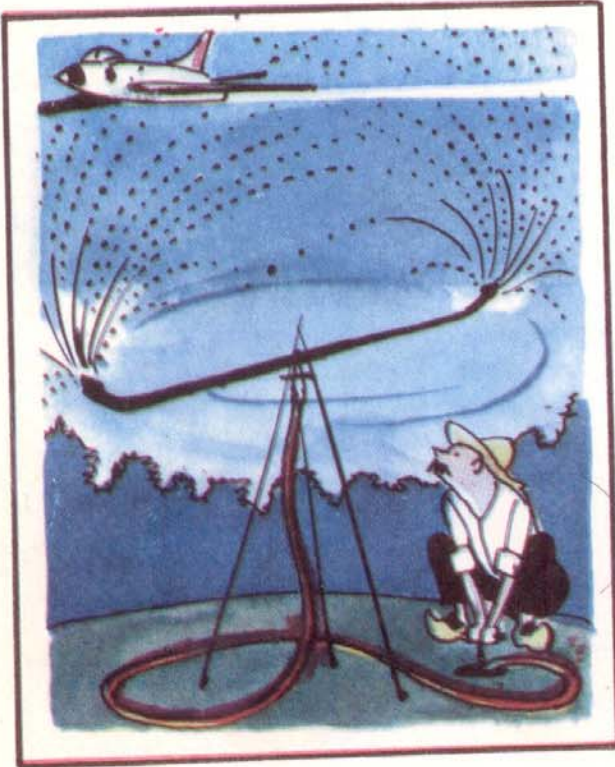
از انتشارات سپید

چاپ از کارگاه چاپ

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۵۰ تاریخ ۳۰ / ۱ / ۳۷

دانستنی های جهان!

درباره همه چیز و همه جا!



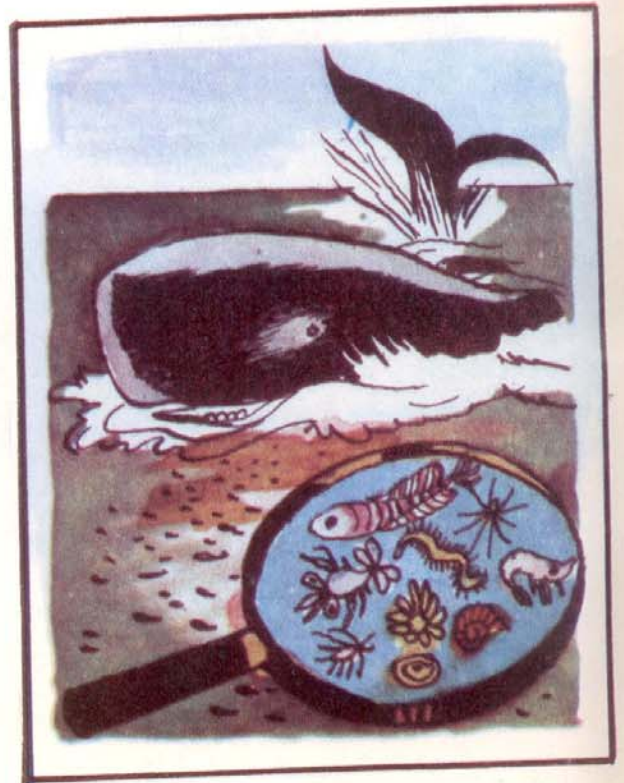
هوایپهای جت!

نیروی عکس العمل باعث حرکت فواره های گردان ، بالا رفتن موشک و وسایل آتش بازی و حرکت مار مانند لوله لاستیکی آب میشود .

هر ضربه ای که به شیئی وارد شود متقابلا از آن شیئی ضربه ای برابر ضربه وارده دریافت می کند . وقتیکه ما در برابر دیواری ایستاده محکم با دو دست خود ضربه ای به دیوار بزنیم به عقب برگشته اخیانا بر زمین می افتیم این حرکت عکس العمل دیوار بروی ماست . در موتور های جت ، گازی که از دنباله هوایما خارج میشود همین عمل را انجام میدهد و باعث حرکت هوایما به جلومی گردد. این عمل به این ترتیب صورت می گیرد که بنزین هوایما در رآکتور محترق میشود و چون دیواره ها محکم و فقط يك منفذ در عقب موتور وجود دارد گاز با فشار از سوراخ عقب هوایما خارج میشود و عکس العمل خروج گاز رآکتور را و آنهم هوایما را به سمت جلو می راند و همین اصل است در موشک و وسایل آتش بازی که به هوا پرتاب میشوند .

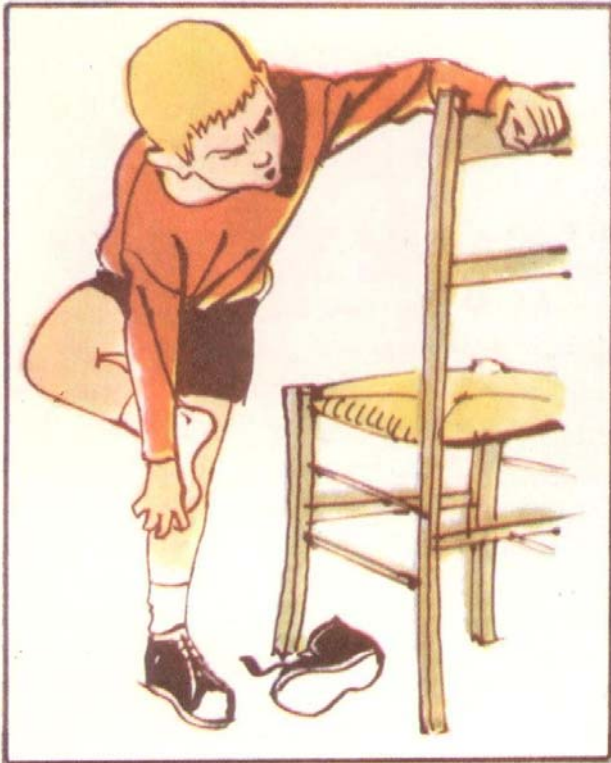
پلانکتون!

در آب دریا و همچنین در آب شیرین حیوانات و گیاهان بسیار کوچکی زندگی می کنند که پلانکتون نامیده می شوند . این موجودات بقدری زیاد هستند که تمام ماهی ها از آنها تغذیه می کنند. يك لیتر از آب دریا می تواند تا صدها میلیون از این موجودات کوچک را که عبارت از آلگها (گیاهان آبی) و موجودات بی مهره هستند در برداشته باشد . بعضی از آلگها با تقسیم شدن به دو قسمت زیاد میشوند بطوریکه اگر این آلگها وسیله ماهی ها خورده نشوند فقط يك دانه از آن میتوانند در مدت ده روز يك گروه آلگ به اندازه کره زمین تشکیل دهد . پلانکتون در ادامه حیات طبیعت بسیار موثر است زیرا ماهی ها از آن تغذیه می کنند و بشر به نسبت زیاد از ماهی ...



چرا؟ برای چه؟

پاسخ به همه سوالات!



چرا پای ما به خواب می‌رود؟

گاهی پیش می‌آید که ما در وضع غیر طبیعی می‌نشینیم و بد قرار گرفتن پا باعث مسدود شدن وریدها و شریان‌های پا میشود و مانع میگردد که خون به طور طبیعی در رگها جریان پیدا کند و در نتیجه ریتم گردش خون در پا دچار اختلال میشود (همین وضع در مورد دست‌ها هم ممکن است پیش آمده در هنگام خواب دست زیر سر یا زیر تنه قرار گیرد و به خواب رود) بعد که آن حالت غیر طبیعی قرار گرفتن دست و پا از میان رفت تا وقتیکه خون مجدداً بطور طبیعی جریان پیدا کند همین تغییر سرعت گردش خون در رگها باعث ایجاد حالت ناراحت کننده ای میشود که آنرا در اصطلاح به خواب رفتن پا یا دست می‌نامیم!

چرا آدم‌دارای دم نیست؟

برای آنکه ستون فقرات ما به انتهای کمرمان ختم میشود در حالیکه در حیوانات ادامه پیدا کرده تشکیل دم‌های کم و بیش بلند را میدهد...

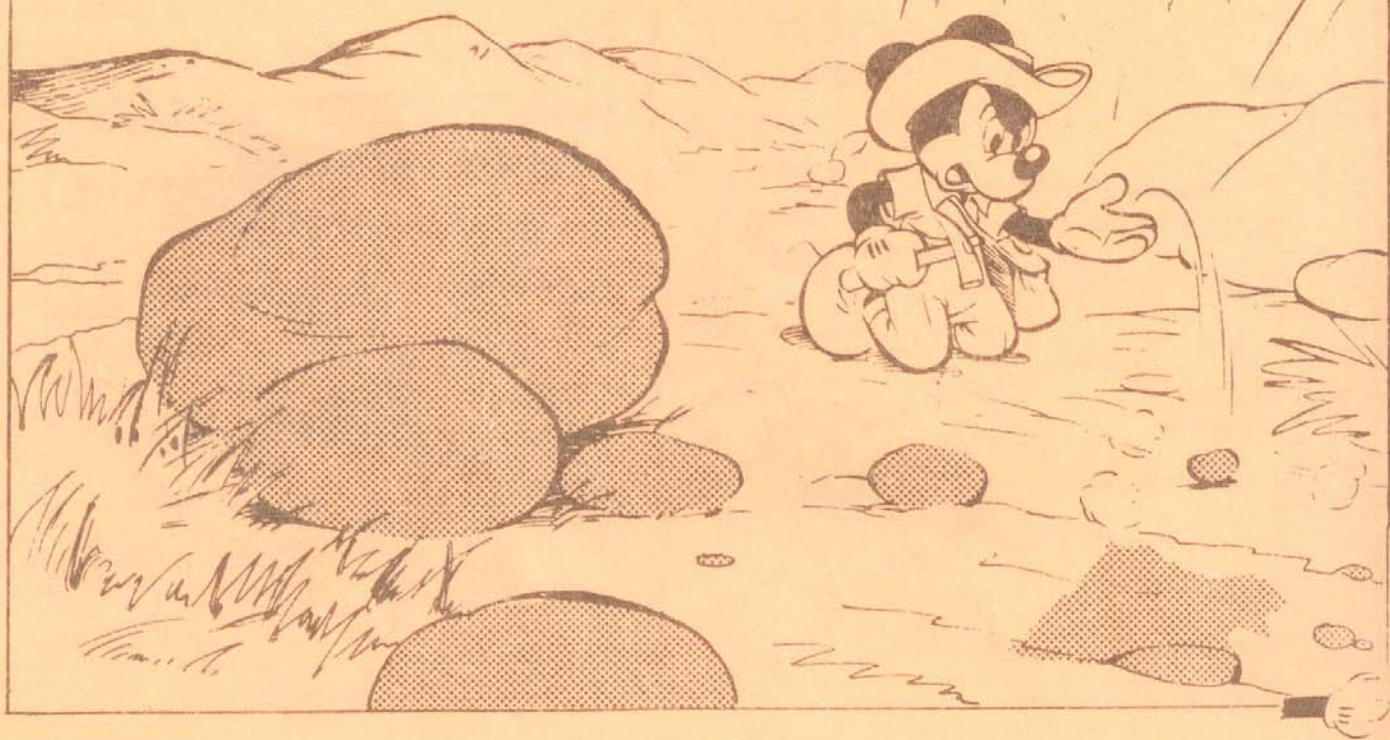
آزمایش‌های علمی فسیل‌های مربوط به صدها هزار سال قبل نشان میدهد که به مرور زمان و به مناسبت تغییر محیط بدن موجودات دچار تغییر و تحول شده به کمال میرسند و همچنین آزمایش‌ها و تحقیقات علم تشریح نشان میدهد که آن قسمت از اعضای بدن که بی‌فایده و بی‌مصرف شده‌اند بمرور کوچک شده یا از بین می‌روند. دم در چهار پایان برای حفظ تعادل و کمک به راه رفتن به کار می‌رود و انسان دوما که بطور عمودی و ایستاده حرکت می‌کند احتیاجی به آن ندارد!



يك سوء تفاهم كوچك!

امروز حتی يك عقیق كوچك هم
پیدا نکردم درحالیکه اینجا باید
پرازسنگهای قیمتی باشد!

دیگرماندن در اینجا
بی فایده است!



داستانهای مصور زرورق



سوء تفاهم كوچك !



آه! من خيال كردم اين يك حمله واقعي است. چطور ميتوانستم فكر كنم كه بر نامه تلويزيوني است!



تو كه گفتي دنبال سنگهاي قيمتي ميگردي؟

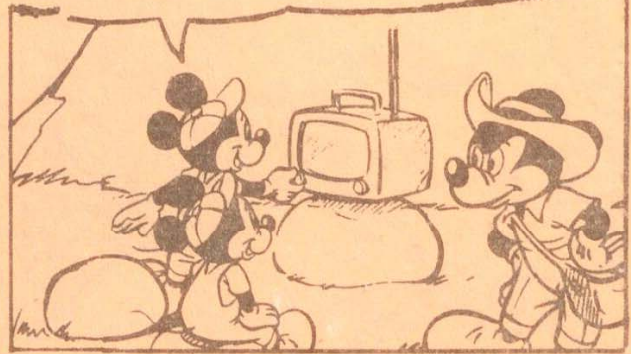
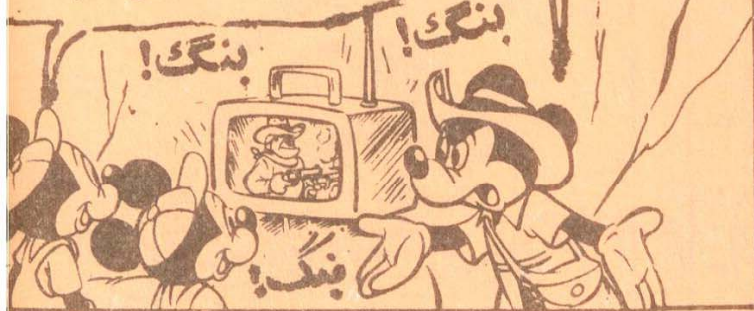


داستانهای مصور زورق

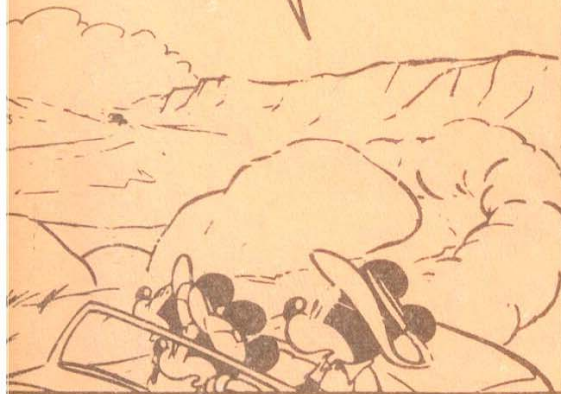
بچه‌ها من اصلاً از کارهایتان سر در نمی‌آورم
شما مرا مجبور می‌کنید که شما را با خودم
جستجوی سنگهای قیمتی بیاورم ولی وقتی این
رسیدید به تلویزیون نگاه می‌کنید؟

برنامه اخبار تمام شد! من عجله دارم
بفهمم «کید» میتواند از دست سرخ
پوستها فرار کند یا نه؟

ما دنبال آن گشتیم اما
چیزی پیدا نکردیم!

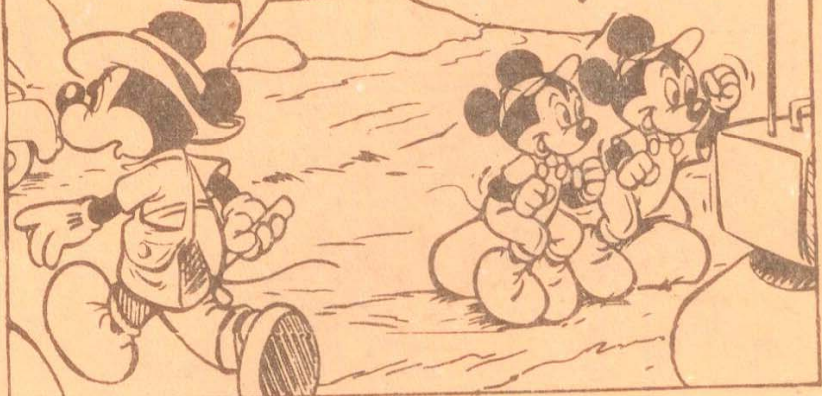


آه! گرد و خاک را تماشا کنید
يك اتومبیل دارد سرعت
حرکت میکند!



خوب! وقتی سوار کار شما غرب را فتح
کرد تلویزیون را در صندوق اتومبیل
بگذارید برویم در يك منطقه بهتر جستجو
کنیم!

بنگ! بنگ!

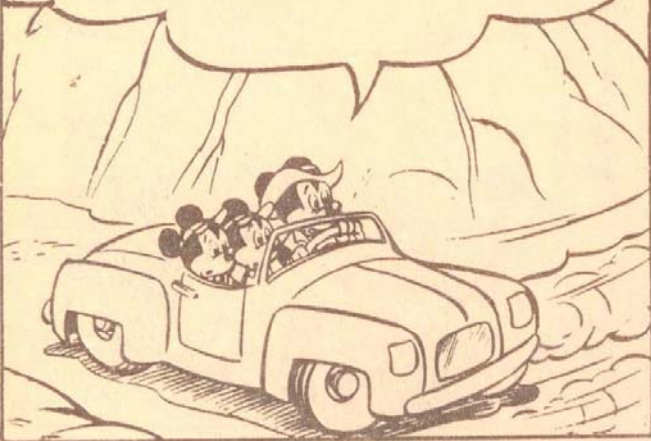


سوء تفاهم کوچک!

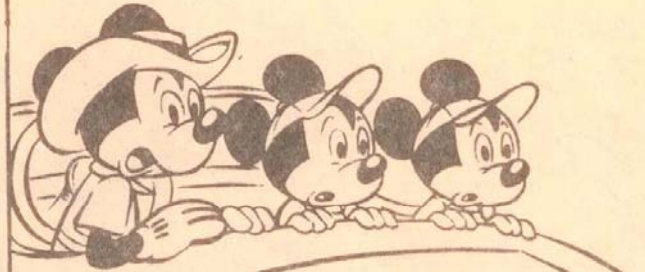


داستانهای مصور زوروق

رئیس این موزه یکی از دوستان صمیمی من است. شرط می بندم که او در جستجوی ظروف سفالی قدیمی سرخ پوستهاست!



بله! روی اتوموبیل اینطور نوشته بود!



اما خیلی عجیب است که او اینقدر به سرعت حرکت می کند من او را خوب نمی شناسم. او یک آدم محتاط است!



برویم به او سلام بکنیم. راستی من متوجه نشدم کی پشت رل است!

آه من چقدر دوست دارم ظروف سفالی سرخ پوستها را پیدا کنم!



سوء تفاهم كوچك !

حتماً بسمت يكي از دهكده هاى سرخ
پوستها كه داخل غارها مى ساختند و در
اين ناحيه فراوان است مى رود!



در اين جاده خراب من نمى توانم به او
برسم ميترسم اتوموبيل خراب شود!



منظورت چيست ؟

نگاه كن يك پيغام بوسيله دود!



نه! آنها ييش از صد سال است كه از
اينجا كوچ كرده اند!



داستانهای مصور زورق



سوء تفاهم كوچك !



داستانهای مصور زرورق



سوء تفاهم كوچك !

فترسید از نردبان بالا بیایید .
سرخ پوستها از هزار سال پیش
میتوانستند نردبان های خوبی
درست کنند !

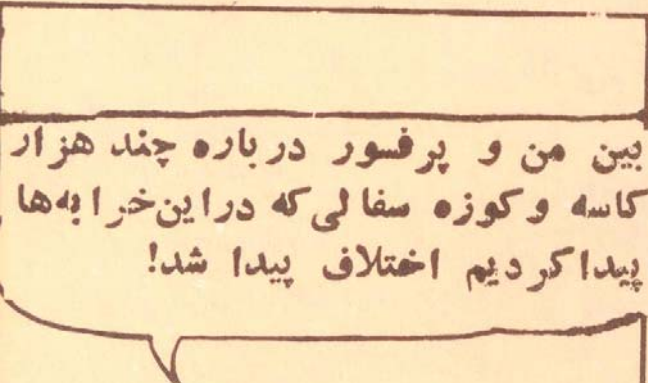
هزار... سال

آهای! پروفیسور. کجا هستید ؟
من دوست شما میکی هستم!

پرفیسور اینجاست بی زحمت
بیایید بالا !

?

داستانهای مصور زوروق



سوء تفاهم كوچك !



داستانهای مصور زوروق



سوء تفاهم كوچك !

حالا فهميدم ! اين بچه ها هستند
 كه دارند برنامه تلويزيوني را
 تماشا مي كنند و اين صداها هم از
 تلويزيون است !

ابنگ ! بنگ ! بنگ !



تيرا ندازی نکنید من تسلیم می شوم !



اميدوارم موزه از اينكه از اين
 ظرف عتيقه بجای سنگ استفاده
 كردم مرا ببخشد !



اگر دزد موضوع را بفهمد تا بود
 ميتويم !



داستانهای مصور زورق

هه ! عمو میکی چه خبیر شده ؟ ما دیگر داشتیم خسته میشدیم. چون اینجا تلویزیون تصویر ندارد فقط صدا دارد



حالا موقع استفاده از فرصت است من میروم اسلحه او را برمیدارم !



پس از آنکه جنایتکار تسلیم پلیس شد !

حالا میرویم کوزه‌های قدیمی را پیدا کنیم ؟

نه ! دنبال پرفسور میرویم



ما به سریالی دستگیری دشمن شماره يك جامعه گوش میدادیم اما این مرد کیست ؟

يك دشمن شماره يك دیگر جامعه !



سوئ تفاهم كوچك !



شگفتی های طبیعت!

Walt Disney

مبارزه مرگ و زندگی!
جنگ تن به تن مورچه ها
انسان را بیاد جنگ گلابدیا تور های
قدیم می اندازد



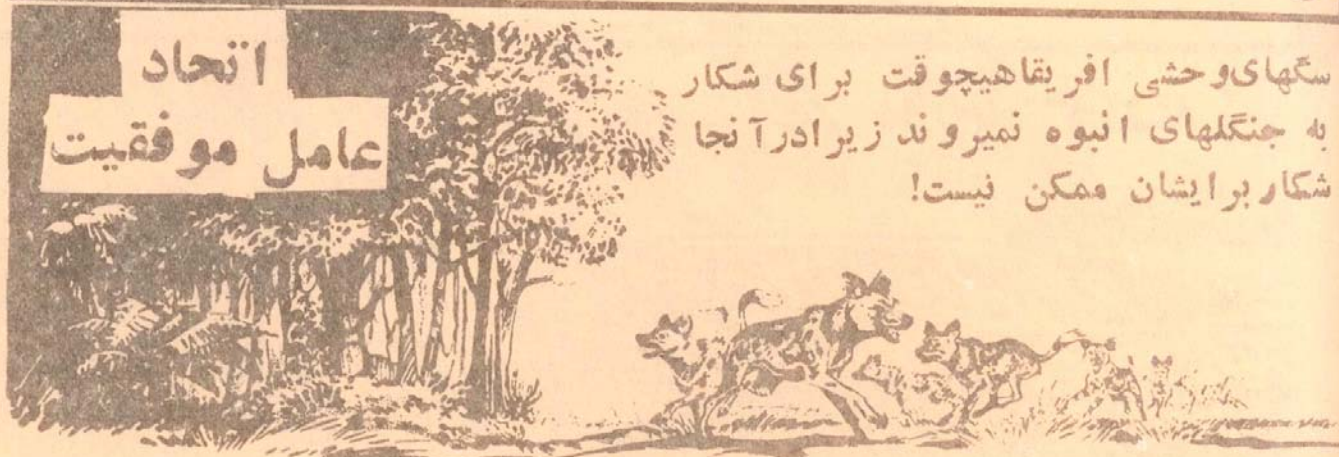
آنها تمام روز را می جنگند و هنگامی که شب فرا میرسد دو لشکر رقیب
به لانه های خود باز می گردند و صبح روز دیگر از نو جنگ را شروع می کنند
و تا وقتی که یکی از دو طرف کشته شود مبارزه ادامه پیدا میکند!

شگفتی های طبیعت!

Walt Disney

اتحاد
عامل موفقیت

سگهای وحشی آفریقا هیچوقت برای شکار
به جنگلهای انبوه نمیروند زیرا در آنجا
شکار برایشان ممکن نیست!



اما در دشت های مسطح دستجمعی به حیوانات حمله می کنند و در این
زمینه حتی به سلطان جنگل یعنی شیر نیز حمله کرده حتی گاهی موفق میشوند
آن حیوان را از پا در آورند!



شگفتی های طبیعت!

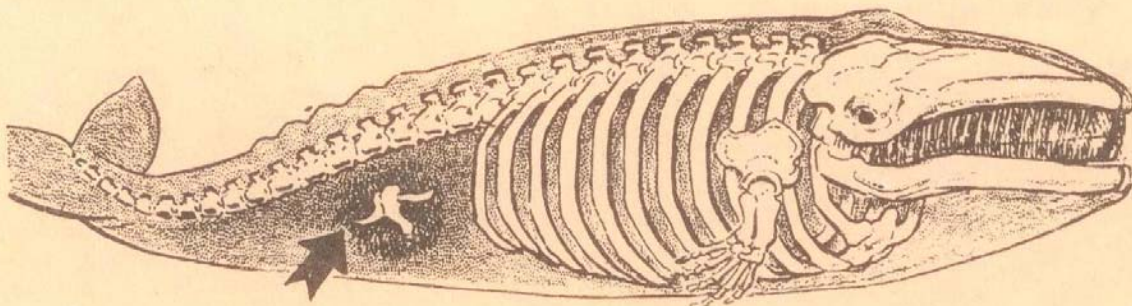
Walt Disney

آثار دوران گذشته!



هزاران سال قبل بالنها
در خشکی زندگی میکردند. راه
میرفتند. نفس می کشیدند و
تشان پوشیده از پشم بود.

امروز بالنها مانند گذشته نفس می کشد. روی سربالنها خاکستری
مقداری پشم وجود دارد و همه بالنها در ناحیه ای که روزی دست و پایشان
قرار داشت استخوانهای کوچکی دارند که نشانه دست و پای دوران قدیمشان است!



شگفتی های طبیعت !

Walt Disney



يك هنر خطرناك !

«اورپولی» پرنده ای است که در جزیره ماداگاسکار زندگی میکند و استاد پافندگی طبیعت شمرده میشود. لانه او مانند يك زنبیل است که این پرنده کوچک آنرا با ساقه های نازک علف و موی جانوران با دقت و ظرافت می بافت.

اما افسوس که هنر این پرنده گاهی دام مرگ او میشود زیرا اغلب پیش می آید که گردن این پرنده در تارهای لانه اش گیر میکند و پرنده کوچک در اثر قلاکردن برای نجات خود خفه میشود.



لودویک فن دارک همه چیز میداند!

بچه‌ها سلام! به راه پیمائی می‌روید؟

سلام پرفسور فن دارک! ما برای پیک نیک
به کوهستان خرسها می‌رویم!

ولی آنجا یک
منطقه خطرناک است!

این غیر ممکن است! فقط من هستم
که میتوانم همه مشکلات را حل کنم!

برای ما نگران نباش پرفسور! ما
کتاب راهنمای سنگ آبی‌های کوچک
را هم با خود می‌بریم در این کتاب
راه حل همه مشکلات نوشته شده!

پروفیسور فن داریک همه چیز میدانند!

اجازه میدهید که باشما بیایم؟ هوا صاف است و آفتاب حاله را جا می آورد!

پروفیسور! آیا می توانید از کوه بالا بروید و در قله کوه چادر بزنید؟



چطور ممکن است يك كتاب كوچك بتواند جانشين ناپغه ای مثل من بشود. بهتر است من همراه آنها بروم!



آه! اینجا يك پل بود اما معلوم ميشود سيل آنها با خودش برده!



بچه ها! اینرا بدانید که تا حالا کسی باندازه من از کوه های آتش فشان بالا نرفته و در سوزمینه های قطبی مسافرت نکرده است!

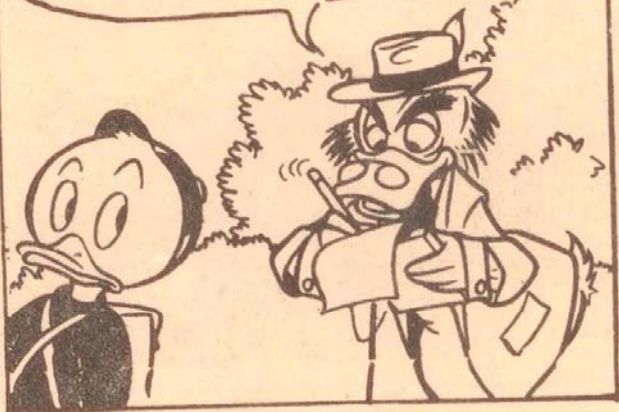


داستانهای مصور زورق

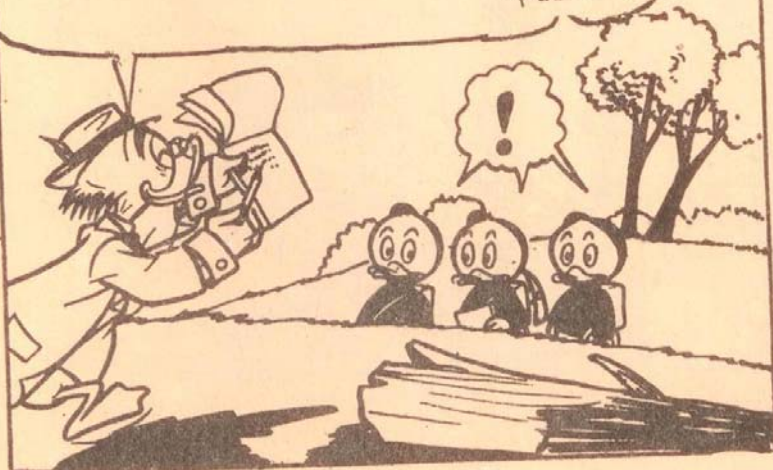
شاید بهتره که يك پل معلق بسازيم
... يا اينكه شايد... بهتر اينست كه..
فكر مي كنم بهتر است كه ...



اينكه مشكلي نيست! ما اينجا يك
پل ديگر ميسازيم . كافيت كه
يك محاسبه ساده بكنم!



بچهها پيدا كردم كار خيلي ساده اي بود
براي رفع اين مشكل كافي است يك
درخت را بكنيم و روي رودخانه
بيندازيم!



كتاب ما در اين باره چه ميگويد
ميگويد كه در چنين شرايطي
بهتر از همه اينست كه يك درخت
را از تنه قطع كنيم و روي
رودخانه بيندازيم!



پروفیسور فن دارک همه چیز میداند!



دست و پای خودتان را گم نکنید! من آشنائی کاملی به رموز هیپنوتیزم دارم و الان این خرس را مثل یک بره رام می کنم!



یک خرس! او حتماً از خواب زمستانی بیدار شده!



داستانهای مصور زورق

کتاب راهنمای مادر این باره چه میگویند؟
میگویند خرسهائی که از خواب
زمنستانی بیدار میشوند خیلی گرسنه،
بدخلق و مهاجم میشوند! وای
جان پرفسور در خطر است!



حیوان مامانی آرام
برو توی لانهات و
مارا راحت بگذار!

کراوف...



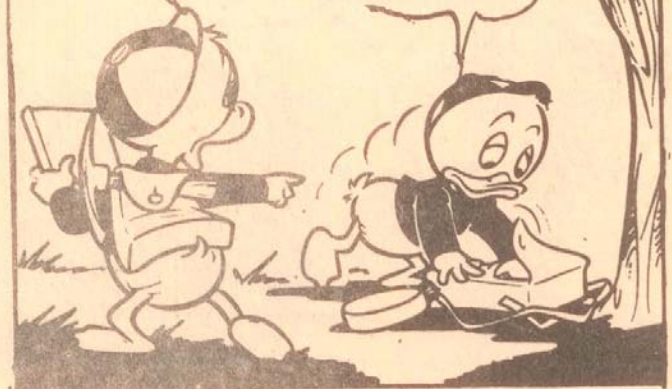
برای آخرین بار بتو دستور میدهم
به لانهات برگردی!

غیژ... غوژ...



زود يك تکه گوشت بردار و
بسريك چوب بلند به بند!

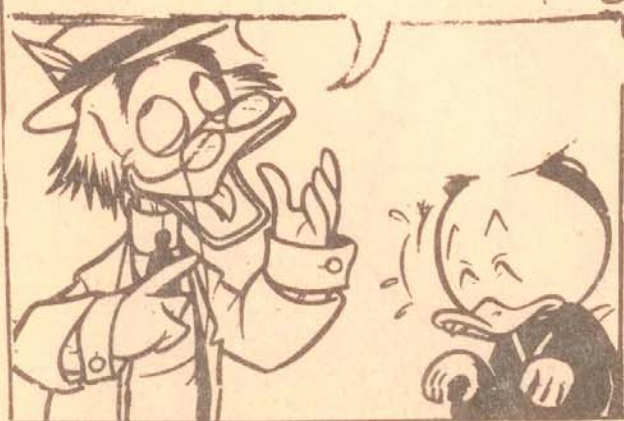
بیا... بگیر



پروفیسور فن داریک همه چیز میداند!



این فعالیتها مرا گرسنه کرد! آیا با خودتان خوراکی دارید؟ اگر ندارید من یک خوراک خوشمزه از علفهای وحشی وقارچ و ریشه درختها برایتان درست می کنم!



داستانهای مصور زورق

ما یادمان رفت با خودمان کبریت بیاوریم
ولی در این کتاب نوشته شده کافیست دو
قطعه چوب را آنقدر بهم بمالیم تا آتش
بگیرد!

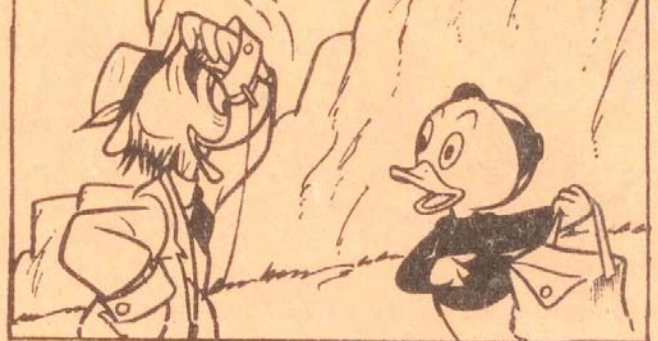
به! اینکه رسم ما قبل تاریخ است!



پس چه باید کرد!

ما مقداری گوشت چرخ کرده و یک جعبه
کنسرو لوبیا با خود داریم!

خوب! خوب! حالا دیگر کاری
ندارید جز اینکه آتش روشن کنید!

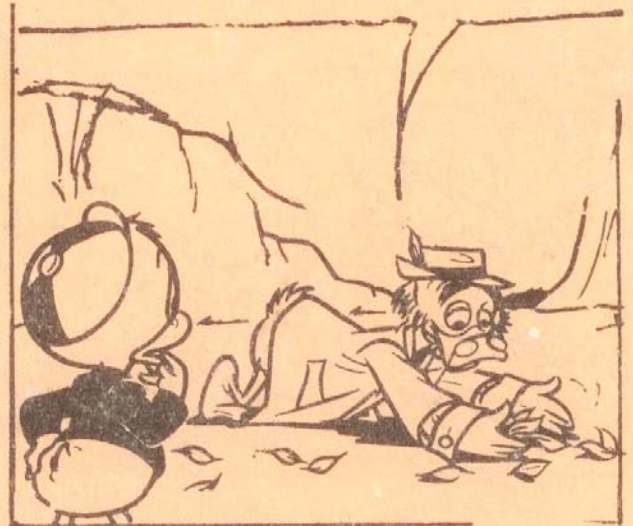


برای اینکه کافی است مقداری مواد معدنی
جمع کنیم. یک ذره از این! یک مشت از
آن! ها! مثل آنکه اینجا معدن ما نیز و تو پری
بو لیوم است. «ری ری» زود یک بیل بیاور!

اسم من «فی فی» است!



راه خیلی ساده! من کاری میکنم که با
کمک مواد شیمیایی بدون زحمت و به
خودی خود آتش بوجود بیاید!



پروفیسور فن داریک همه چیز میداند!

بالاخره ...



ری ری! برو یک مقدار چوب نازک بیاور و تو «لولو» این سنگ را خورد کن تا به ذرات ریز تبدیل شود!



اول یک ذره از این بعد یک کوچولو از آن آنوقت یک مشت هم از فسفیز یوم برای ایجاد عکس العمل شیمیائی!



عالی است! منهم فسفیز یوم پیدا کردم. حالا موقع کار است!



داستانهای مصور زوروق



من هیبایستی میگفتم که چوب درخمان سخت مثل بلوط را انتخاب کنی اما چیزی نیست. ما از نو شروع می کنیم!



پروفیسور فن داریک همه چیز میداند!

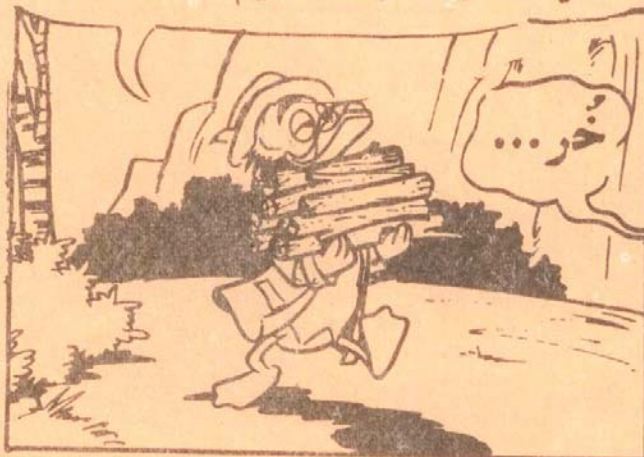


داستانهای مصور زوروق

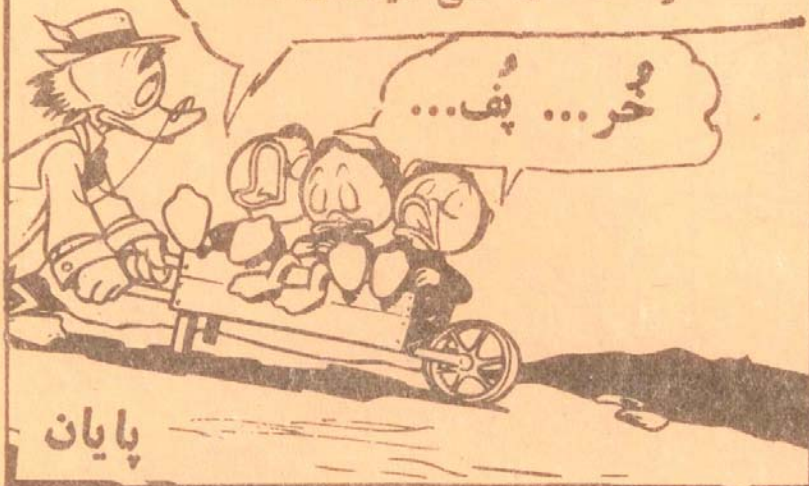
وای خدای من ! بچه‌ها به خواب رفتند
آنهم در این هوای صاف و لطیف
بهاری ! حتماً هوای پاک کوهستان
آنها را بیحال کرده !



نگاه کنید بچه‌ها ! من از خانه جنگلی
مقداری چوب آوردم حالا دیگر میتوانیم
غذایمان را درست کنیم !



تنها چیزی که میتوانم بگویم اینست
که خوشبختانه من همراه بچه‌ها بودم
چون اگر با آنها نبودم این کوچولوها
سخت گرفتار ناراحتی میشدند !



پایان

در زمان ما بچه‌ها از اینها قوی‌تر
بودند !





لاینگ

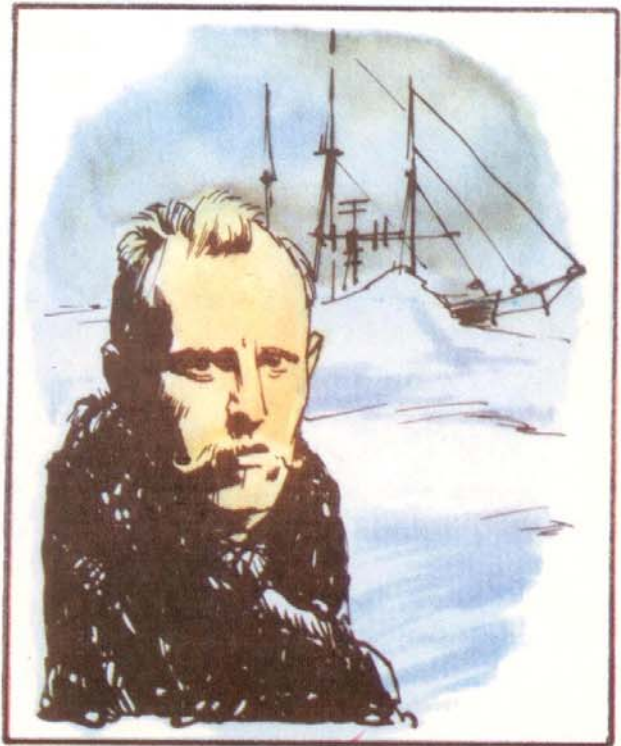
رنه تئو فیل هیاسینت لاینگ پزشک فرانسوی در سال ۱۷۸۱ در شهر کیمبر فرانسه چشم به دنیا گشود و در سال ۱۸۳۶ در شهر دوآنز در فرانسه بدرود حیات گفت او مخترع استتسکوپ یا گوشی طبی است.

معمولا امروز نخستین عملی که یک پزشک در مقابل بیمارش انجام می‌دهد گوش کردن به قلب و ریه او به وسیله گوشی طبی است و این همان چیزی است که لاینگ آنرا اختراع کرد و این اختراع منجرای جالبی دارد. یک روز که لاینگ با بچه‌ها به بازی مشغول بود چوب استوانه‌ای شکلی را به گوشش گذاشت. هنگامی که سنجاقی را به قسمت دیگر چوب کشید متوجه شد که این صدای ضعیف، خیلی واضح‌تر و بلندتر بگوشش میرسد، وقتیکه به بیمارستان رفت دفتری را گوله کرده روی قلب و ریه بیماری قرار داد (تا آنوقت گوش را به سینه بیمار می‌چسباندند) و گوشش را به آن چسباند و متوجه شد که صداهای را به خوبی می‌شنود و به این ترتیب در سال ۱۸۱۵ نخستین گوشی طبی که از چوب بود و با گوشی امروز تفاوت زیادی داشت اختراع شد.

نانشن

فرید تجوف نانشن کاشف و نوع دوست نروژی در سال ۱۸۶۱ در شهر استور فرون نروژ دیده به جهان گشود و در سال ۱۹۳۰ در شهر لیساکر نروژ در گذشت. او ثابت کرد که انسان می‌تواند در مقابل سختی‌ها و مشکلات قطب مقاومت کند و موفق شود.

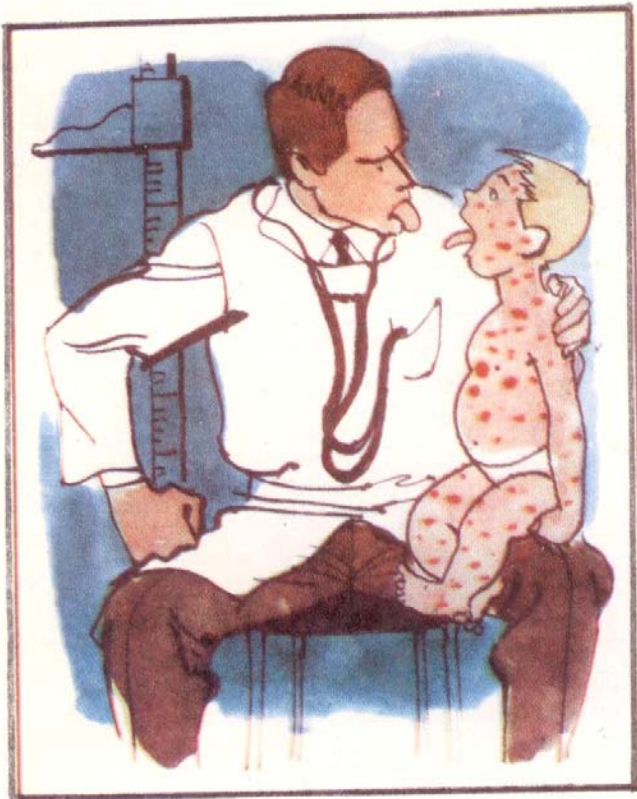
نانشن قهرمان اسکی و لیسانسیه جانور شناسی بود او یک کشتی که بتواند در مقابل فشار یخهای قطبی مقاومت کند ساخت و اسم آنرا فرام (به پیش!) گذاشت و در سال ۱۸۹۳ به سوی قطب شمال حرکت کرد. نانشن مدت دو سال در حرکت بود و به مطالعات علمی می‌پرداخت بعدا تصمیم گرفت کشتی را ترک کند و در حالیکه فقط یک نفر همراه او بود با سورتمه به سوی قطب شمال رفت مدت یکسال دیگر این دو نفر در حرکت بودند و روی یخ و برف چادر می‌زدند و در سرمای شدید و وحشتناک قطبی بدون وسایل کافی زندگی میکردند و وقتی آذوقه آنها تمام شد و چیزی برای خوردن بدست نیاوردند یکی یکی سگ‌های سورتمه را کشتند و خوردند. نانشن اگر چه به قطب شمال نرسید اما از این نظر اطلاعات علمی ذی‌قیمتی بدست آورد که بعدها مورد استفاده دانشمندان و کسانی که به قطب شمال رفتند قرار گرفت. نانشن در سال ۱۹۲۲ برنده جایزه نوبل شد.



شغل‌ها و حرفه‌ها!

میخواهید چه کاره شوید!

پزشک متخصص اطفال



تخصص در معالجه بیماری‌های اطفال از رشته‌های جدید علم پزشکی است و یک پزشک متخصص اطفال مسایل و مشکلات رشد جسمی و مغزی کودک و بیماری‌های آن را معالجه می‌کند. کودکان را نمیتوان همانطور که بزرگترها را معالجه می‌کنند معالجه کرد چون کودک ظریف است و در ضمن نمیتواند ناراحتی‌ها و ندردهای خود را باز گو کند در اینمورد پزشک باید اطلاعات و آشنائی مخصوص به وضع روحی و جسمی کودکان داشته باشد. کودکی دوران مهمی از تشکیل شخصیت روح و جسم انسان است و تنها یک پزشک متخصص مطلع میتواند مسائلی را که غیر طبیعی بودن رشد جسمی و روحی یک کودک به وجود می‌آورد حل کند پزشکان متخصص بیماری‌های کودک در دنیا خیلی زیاد نیستند و این کار مانند همه کارهائی که با کودکان سرو کار پیدا می‌کند هیجان انگیز و جالب است.

هم زنهاو هم مردها میتوانند پزشک متخصص اطفال شوند. برای اینکار باید پس از گرفتن گواهی نامه دکترای دوره تخصصی را هم دید و شخص باید دارای صبر و حوصله بوده آرام و خونسرد و علاقمند به کودکان باشد.

خلبان هواپیمای مسافربری

لباس زیبا و باشخصیت خلبانان هواپیماهای مسافربری و زندگی سراسر آمیخته با سیر و سفر و حرکت و هیجان آنها که بیشتر اوقات در کشورهای مختلف بسر میبرند همیشه مورد توجه نوجوانان و جوانان بوده است. یک خلبان هواپیمای مسافربری جان مسافران و کارکنان هواپیما را در دست دارد باینجهت کار او بسیار دقیق و حساس است. خلبانان هواپیمای تجاری یا مسافربری باید گواهینامه مخصوص پرواز هواپیماهای مسافربری را داشته باشند و آنها اغلب پرواز با انواع هواپیماها و هلیکوپترها اطلاع دارند در هنگام پرواز همیشه یک کمک خلبان در کنار خلبان می‌نشینند تا در صورت پیش آمد ناگهانی برای خلبان مانند سگته کردن و غیره بلافاصله سکان هواپیما را در دست بگیرد تا جان مسافران به خطر نیفتد همچنین یک عده از متخصصین مانند متخصص رادیو و مکانیک و هم مانند خلبان را که حکومت هواپیما با اوست در کارش همراهی و کمک می‌کند خلبانان هواپیماهای مسافربری که اکثرا در ابتدا خلبان نیروی هوائی بوده‌اند بعدا اغلب شغل معلمی و آموزشی خلبانی را انتخاب میکنند.

اینکار مردانه است و برای آن باید تحصیلات عالی داشت یک خلبان باید از تندرستی کامل و دید خوب برخوردار باشد. دارای قدرت اراده حس مسئولیت و دیسیپلین بوده علاقمند به تماس با افراد و همکاری با گروه باشد.



شناسنامه

عمو اسکروج

اسکروج مک‌داک بزرگترین میلیاردر روی زمین: صاحب کارخانه‌های بزرگ، شرکت‌های معتبر، چاه‌های نفت فراوان و کسی است که چندین کتاب مانند کتابی که در دست دارید لازم است تا نام مؤسسات او در آن نوشته شود.

اما ثروتمندترین موجود روی زمین آدمی محبوب و متواضع است. او همیشه یک کت و شلوار قدیمی می‌پوشد، کلاه سیلندر بر سر می‌گذارد و عینک و عصای او معروف است. اسکروج بسیار مقتصد و صرفه‌جو است و اولین سکه پولی را که بدست آورده هنوز هم حفظ کرده است و معتقد است برایش شانس می‌آورد! او دائماً با برادرزاده‌اش دونالد بر سر پول خرج کردن و کار نکردن او اختلاف دارد!

اسکروج در سال ۱۹۴۷ میلادی در ایالات متحده آمریکا بدنیا آمد. در فرانسه به نام عمو پیکسو شهرت دارد که یک مجله ماهانه هم در آنجا بنام او منتشر می‌شود!

انتشارات سپید

تهران - ایرانشهر شمالی - خیابان آذرشهر - نبش فریدونشهر

شماره ۲۳ تلفن ۸۲۴۴۲۶

چطور آنرا به عمو دونالد
نشان بدهیم!

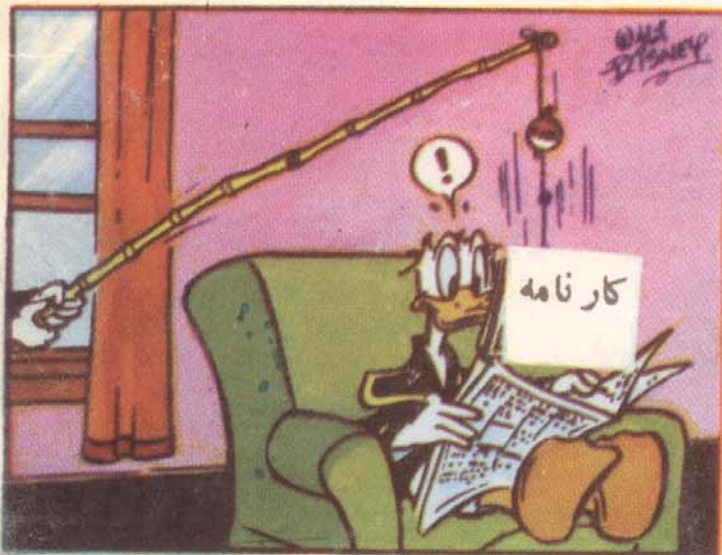


چه بدبختی بزرگ. نمره‌های
ماگمه بداست!



صبر کنید بچها!

فکری بخاطرم رسید!



انتشارات سپید

ایران شهر شمالی - خیابان آذرشهر - نبش فریدونشهر

شماره ۲۳ تلفن ۸۲۴۴۲۶